



استفاده از تحلیل سلسله مراتبی (AHP) در رتبه‌بندی شاخص‌های ارزیابی معیارهای هویتی مسکن قدیمی با ارزش، مطالعه موردی: محله قدیمی ساغریسازان رشت

محمود عنانهاد*

الیه قویدل^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱

چکیده:

اغلب واحدهای مسکونی جدید در بافت‌های قدیمی با ارزش شهری، فاقد حس تعلق به مکان و هویت مشخص هستند. این در حالی است که انسان‌ها، صرف نظر از موقعیت تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی، همیشه به مکان هویت‌مند نیاز دارند. مقاله حاضر، راهنمای کاربردی در زمینه ارزیابی موثر و کارآمد معیارهای هویتی برای طراحان معماری و برنامه‌ریزان توسعه شهری می‌باشد که قصد دارد براساس نظرسنجی به روش SPSS به مهمترین شاخص‌های ارزیابی معیارهای هویتی و رتبه‌بندی آن با استفاده از تکنیک AHP دست یابد. در حال حاضر، متأسفانه به دلیل عدم شناخت دقیق شاخص‌های ارزیابی معیارهای هویتی مسکن، تاکنون تحقیقاتی فنی و اثباتی در این حوزه صورت نگرفته و تنها در بعضی از تحقیقات به گردآوری شاخص‌ها اکتفا شده است. پژوهش حاضر در محله قدیمی ساغریسازان رشت صورت گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش به صورت ترکیبی، تحلیل داده‌ها بر مبنای استدلال منطقی و با استفاده از راهبرد کیفی-کمی می‌باشد. در این مقاله ابتدا با استفاده از مستندات مرتبط، شاخص‌های ارزیابی معیارها و زیرمعیارهای اولیه شناسایی و سپس پرسشنامه سنجش شاخص‌ها تهیه و تنظیم و در بین ۴۷ ساکنین این بافت قدیمی توزیع گردید و اطلاعات جمع‌آوری شده با نرم افزار SPSS تحلیل شدند و سپس با استفاده از نرم افزار Expert Choice 11 شاخص‌های هویتی مسکن قدیمی با ارزش با توجه به معیارهای تعیین شده، از طریق تکنیک فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) رتبه‌بندی و ارزیابی شدند. نتایج حاکی از آن است که از بین ۹ زیرمعیار شاخص هویت در محله مورد مطالعه، معیار شناسایی مکان و حس تعلق به مکان سکونت، دارای سطح اولویت ۵۳۷/۰ می‌باشد که بیشترین ضریب معیار نسبت به دیگر معیارها را به خود اختصاص داده است.

واژگان کلیدی: فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، شاخص‌های ارزیابی هویتی، واحدهای مسکونی، ساغریسازان، رشت

* Ananahad@yahoo.com

۱. استادیار گروه معماری، موسسه آموزش عالی مهرآستان، آستانه، ایران.

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه قم، پژوهشگر گروه اقتصاد و مدیریت، قم، ایران

مقدمه

انسان‌ها همواره و در هر موقعیت جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، به مسکن و سرپناه نیاز دارند. بافت‌های قدیمی شهرها باتوجه به وقایع تاریخی و خاطرات فردی و جمعی در ذهن شهروندان منطقه جایگاه ویژه‌ای دارند. از این‌رو مفهوم سکونت و شکل‌گیری آن در رابطه انسان با مکان، با برآورده شدن نیازها و رفتارهای انسان ارتباط تنگاتنگی دارد. در این ارتباط تأمین مکان مناسب برای سکونت مستلزم ایجاد شرایطی در محیط کالبدی است، که در آن امکان ارضاء نیازهای کاربر فراهم گردد. این نیازها نمونه‌ها و موارد روانشناختی را نیز شامل می‌شود، در این رابطه هویت به‌مثابه بخشی از احراز حس بودن و تعلق از ضرورت‌هایی می‌باشد که لازم است در طراحی محیط‌های سکونتی مورد توجه قرار گیرد (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۱۶). بی تردید در زندگی امروزه بسیاری از موارد به گونه‌ای برگشت ناپذیر دگرگون شده‌اند و بسیاری از اشکال معماری و فضاهای شهری اهمیت سابق خویش را از دست داده‌اند. توسعه بی‌دروپیکر شهرها، درهمه‌جا قالب شکل‌های هنری کهن را درهم شکسته است. با توسعه روزافزون، بناهای جدید و تعداد خیابان‌ها و میدان‌های وسیع، معماری‌های یکسان گاه پرخرج و بی‌سلیقه، افزونی می‌یابد. بناهای قدیمی با ارزش با الگوهای معماری فرو می‌ریزند و بناهای جدید بی‌هویتی سردر می‌آورند و بسیاری از شکل‌های زیبای معماری کم‌کم ناپدید می‌گردند. مسأله مسکن و تأمین آن برای شهروندان، به‌ویژه گروه‌های کم‌درآمد همراه با رشد سریع شهرنشینی در نتیجه مهاجرت‌های روستا-شهری و افزایش طبیعی جمعیت به دلیل عدم تعادل بین عرضه و تقاضای مسکن اهمیت بیشتری یافته است. به طوری که در بعضی از کشورها به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است. با این وجود مسکن اهمیت بنیادی در رشد جوامع انسانی داشته و دارد (فنی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۸). در سنت معماری و شهرسازی معنی واژه هویت را می‌توان در بازشناسی و تشخیص عناصر معماری و شهرسازی و ماندگاری بناهای مسکونی و غیر مسکونی در بافت‌های قدیمی با ارزش دانست. در کلیه مباحث مرتبط با هویت، یک نکته مشترک اساسی وجود دارد و آن این است که هر ملتی نیازمند عناصر هویت بخش است تا خود را از ملل دیگر متمایز سازد. از طرف دیگر، در جامعه ملی، که ترکیبی از خرده فرهنگ‌های گوناگون است، واحدهای فرهنگی جامعه ملی، نیز به این عناصر متمایز کننده نیاز دارند (لاوسون، ۱۳۹۱: ۱۹). در بررسی رابطه فعالیت‌های انسانی با مکان، سکونت رابطه‌ای پرمعنا میان انسان و محیط است و در این راستا دو عامل فضا و احساس تعلق که برگرفته از خاطرات فردی و جمعی ساکنین است عوامل و متغیرهای مهمی در شکل‌گیری این رابطه پرمعنا در جهت دستیابی به هویت‌مند بودن ساختار معماری است. عامل اول به تشخیص فضا و عملکردهای فیزیکی و کارایی آن مرتبط است و عامل دوم معطوف به عملکرد ارجایی و احساسی عاطفی محیط می‌باشد

که از آن به حس مکان و احساس تعلق به مکان تعبیر می شود (شولتس، ۱۳۹۳: ۳۹۷). در شرایط حاضر در خوشبینانه‌ترین حالت، بناهای احداثی در بافت موجود تنها پاسخگوی نیاز به سرپناه کاربران می‌باشد و توجهی به نیازهای روانشناختی آنان نشده است. به دلیل یکی نبودن کاربر و کارفرما در طراحی واحدهای بنای مسکونی، اغلب به تأمین نیازهای عام زیست‌شناختی توجه می‌شود و از پرداختن به نیازهای فراتر، از جمله احراز هویت بافت‌های قدیم باز می‌مانند. این تنزل کیفیت کالبدی که ناشی از موارد یادشده در این سکونتگاه‌ها و خدشه‌دار شدن هویت آن‌ها است، ضرورت مداخله، احیا، باززنده‌سازی و ساماندهی بافت‌های قدیمی با ارزش را ضروری می‌سازد. از این‌رو، اهداف پیش‌رو در پژوهش حاضر عبارتند از: ۱- رتبه‌بندی شاخص‌های ارزیابی معیارهای هویتی در جهت حفظ هویت واحدهای مسکونی محله قدیمی ساغریسازان که با توسل به مطالبات روانشناختی کاربران با محیط و واحدهای مسکونی نوساز صورت می‌گیرد. ۲- تعیین عوامل کمی و کیفی و ارائه راهکارهای مربوطه موثر در ایجاد احراز هویت معماری بومی مسکن شهری در جهت اجراء نوسازی آن (بافت‌های موردنظر). بی‌تردید ما مجاز نیستیم که از امکانات بافت با ارزش تصویربرداری مصنوعی و کپی برداری صرف را به انجام برسانیم، این امر با زندگی و تکنولوژی جدید سازگار نخواهد بود.

ما نیاز بدان داریم که آنها را به دقت بازشناسیم. لازم است که الگوهای معماری گذشته، زندگی دوباره‌ای یابند، و تنها در تطبیق آگاهانه آن الگوها با اوضاع و احوال جدید است که می‌توانیم هویت معماری با ارزش قدیمی را در نوسازی واحدهای مسکونی بکار ببریم. در این راستا، فرضیات مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از: ۱- استمرار و حفظ هویت کلیت بافت ساغریسازان به نحوه رعایت رتبه‌بندی در معیارهای هویتی معماری خانه‌های قدیمی بستگی دارد. ۲- به نظر می‌رسد استمرار و حفظ هویت کلیت بافت و مسکن قدیمی با ارزش ساغریسازان به وجود خاطره جمعی و احساس حس تعلق در شهروندان نسبت به مکانهای مختلف بافت وابسته است.

شهر رشت با دارا بودن جاذبه‌های طبیعی، تاریخی و حتی مسکن قدیمی، سالانه گردشگران بسیار زیادی را به خود جذب می‌کند. بافت با ارزش و مرکزی شهر رشت هم به دلیل جای دادن بخش اعظم عملکردهای مهم شامل بازارهای محلی و بومی، بافت‌های مسکونی قدیمی با ارزش، از اهمیت و ارزش والایی در زیبایی و حفظ هویت شهر رشت برخوردار است. محلات شهر رشت در طی دوره‌های مختلف رشد و تحول شهر، به لحاظ تقسیمات و تعداد دچار دگرگونی شدند و حتی نام‌های قدیمی که به آنها نسبت داده می‌شد، به مرور به فراموشی سپرده شد. محلات قدیمی و تاریخی شهر، ۸ محله به نام‌های کیاب، خمیران، چوماسرا، پسکیا، استادسرا، بازار، صیقلان، زاهدان بودند. به مرور با تغییرات عمرانی ناشی از طرح جامع اول در شهر و احداث معابر جدید و عریض،

مرز محلات تغییر یافت، به عبارتی خیابان های نسبتاً عریض و جدیدالاحداث، قاطعانه ارتباطات کالبدی و عملکردی و روابط اجتماعی اهالی داخل محلات را جدا نموده و همراه با رودخانه‌های زرجوب و گوهر رود مرزهای جدید محلات را رقم زد. به‌همین علت محدوده برخی محلات با محدوده گذشته آن متفاوت شد و نه تنها محدوده محلات، بلکه عناوین محلات باقی مانده از دوره قاجار نیز تغییر کرد. ساغریسازان بخشی از محله بزرگ خمیران زاهدان است و از جمله محلات قدیمی و باارزش شهر رشت محسوب می‌شود. محدوده مورد مطالعه در این پژوهش از قدیمی‌ترین محلات شهر رشت و از قدیم مرکز فرهنگی و مذهبی شهر رشت بوده است. وجود امامزاده خواهرامام، مدارس عالی، مساجد و بقعه‌های نزدیک به هم در همجواری دومین بازار شهر رشت یعنی ساغریسازان نقش آن را برجسته کرده است. بافت این منطقه به صورت ریزدانه بوده و خیابان‌های دانشسرا و ساغریسازان (بادی الله) که به‌صورت نیم دایره غیرمنظم از میدان پاسداران به وسط خیابان مطهری کشیده شده‌اند که از وسط این بافت فشرده گذشته و دو محله مذکور را از هم تفکیک می‌کند، به طوری که محله رودبارتان در شرق و شمال و ساغریسازان در غرب قرار می‌گیرند. خیابان ساغریسازان با بدنه کاملاً تجاری و به عنوان یک خیابان جمع کننده، باعث استقلال این دو محله از شهر شده است، به طوری که این دو محله در کنار هم به‌عنوان یک هسته مستقل می‌توانند نیازهای خود را عمل کنند. وجود مراکز مذهبی متعددی در این منطقه مثل: امامزاده خواهرامام، مسجد آقا سید عباس و آقا سید اسماعیل، چهاربرادران و مسجد سوخته تکیه، خانه‌های قدیمی باارزش موجب شده که نقش قدیمی فرهنگی و مذهبی این محلات تقویت شود. این بناهای مسکونی و غیرمسکونی با کالبدی متمایز به‌صورت توده‌هایی گسترده به راحتی در منطقه قابل شناسایی‌اند و به عنوان یک نشانه در منطقه محسوب می‌شوند که باعث هویت بخشیدن به محله و حتی شهر می‌شوند. ساغریسازان جزء محدود محلات رشت است که محدود بافت سنتی آن حفظ گردید است. قدمت و سنت از ویژگی‌های مهم و قابل توجه محله ساغریسازان است که در آن، فقیر و غنی در کنار هم بدون جدایی‌گزینی زندگی می‌کرده‌اند و امروزه بافتی باارزش قدیمی محسوب می‌شود که بخشی از آن دستخوش تغییر شده و بسیاری از ثروتمندان محله از آن کوچ کرده‌اند. طرح‌های بازسازی و بهسازی بافت‌های قدیمی که به‌منظور حل معضلات به‌ویژه کمبود مسکن از طریق افزایش تراکم صورت می‌پذیرد، منجر به تغییر الگوهای باارزش معماری گذشته مسکونی و ایجاد الگوی نو و همچنین رواج آپارتمان‌سازی‌های بی‌رویه در آن شده است؛ این امر می‌تواند عنقریب موجب محو هویت و یا آسیب جدی به آن گردد (عنانهاد و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۷).

به عبارتی دیگر، درجهت رسیدن به راه‌کارهای اثباتی، تحلیل و بررسی رابطه تعاملی میان محیط ساخته شده و نیازهای پایه و فرایندهای کاربران می‌تواند از جنبه‌های تازه این پژوهش تلقی گردد. علاوه بر آن وجود ویژگی‌های خاص هر مکان جغرافیایی و تعیین راه‌کارهای معماری برای آن که با ملاحظه پرهیز از تکرار و اقتباس صورت پذیرد، جنبه‌های دیگری از خلاقیت و بطبع تازگی را در خود مستتر خواهد داشت. بنابراین، سوال اصلی پژوهش را با توجه به بیان مسأله پیش رو اینگونه می‌توان بیان کرد:

- باتوجه به شاخص‌های هویت معماری مساکن قدیمی باارزش ساغریسازان اولویت‌بندی آن‌ها چگونه است؟

مبانی نظری

هویت^۱

ششمین کنفرانس اجماع و پژوهش در شکل‌یابی هویت گفتمانی در معنایی برای هویت را در برگرفت تا امکان ارائه تعاریف مناسبی را فراهم کند ولی نتوانست به یکپارچگی در معنایی و مفهوم واژگان هویت منجر شود. ربر^۲ هویت را مفهومی ذهنی و انگاشتی فردی می‌داند که فرد خویشتن را با آن می‌انگارد و یا تلاش می‌کند تا آن گونه جلوه دهد. برون^۳ هویت را شاکله‌ای ذهنی و روان‌شناختی می‌داند که بر نحوه رفتار انسان اثر می‌گذارد (Brown & Werner, 1985: 536). براین اساس است که شهر بی‌هویت انسان‌های بی‌هویت به وجود می‌آورد. تنها از رویکرد شهرسازی نمی‌توان بازخوانی مفهوم هویت را در ساختار شهر ممکن کرد، چرا که عملکرد شهرسازی به عنوان یک تسهیل‌کننده نمی‌تواند به وجود آورنده شاکله‌ای باشد که محلات شهری را شکل می‌دهد. هویت در حوزه‌ها و مکاتب مختلف دارای تعاریف و اختلافاتی است که باید این مفاهیم پیش از وارد شدن به بحث هویت ایرانی^۴ و هویت معماری^۵ مورد بررسی قرار گیرد تا به درکی کلی از واژه هویت و معنای آن دست یابیم. گیدنز^۶ در یکی از آخرین نقطه نظرهای جامعه‌شناسانه و روانشناسانه خود، معتقد است، هویت مکان در واقع همان چیزی است که فرد، چنانکه در اصطلاح «خودآگاهی» آمده است، به آن آگاهی دارد،

-
1. Identity
 2. Rabber
 3. Brown
 4. Iranian Identity
 5. Architectural Identity
 6. Giddens

مفهومی که به معنای تداوم فرد در زمان و مکان می‌باشد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۸). در این میان، شاید یکی از کسانی که مشخص‌ترین تعریف را در این رابطه با هویت در شهر و فضاهای آن مطرح می‌کند، "لینچ" باشد. از نظر وی، ساده‌ترین شکل معنا، هویت است یعنی معنای یک محل، هویت، یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایزی از سایر مکان‌ها شناخته و یا بازشناسی نماید، به طوری که شخصیتی مشخص، بی‌نظیر و یا حداقل مخصوص به خود را دارا شود. لینچ معتقد است عوامل متعددی در معنا و هویت بخشیدن به یک مکان موثر و دخیل هستند که در میان آن‌ها می‌توان به شناخت و آشنایی زیاد که منجر به ایجاد حس مکان می‌شود، رویدادها و وقایع که سبب خاطره انگیز شدن فضای شهری می‌شوند (کولبرگ، ۱۳۸۵، ۳۹۶). در جمع بندی نظریات اشاره شده در باب معنا و مفهوم هویت، می‌توان گفت که هویت، عامل تشخیص و تمایز محیط و در واقع تبدیل شدن آن به مکان و یا محلی خاص است.

هویت شهر، عینیتی است توأم با ذهنیت، عینیت از آن نظر که بخشی از هویت وابسته به یک سری عناصر و نمایه‌های بیرونی و ظاهری است که دیده می‌شوند و ذهنیت از آن سو که بخشی از هویت در ذهن ساکنان شکل گرفته و خاطره، حس تعلق به مکان، تداعی‌ها و ارزش‌ها متبلور می‌شود. هویت، محصول روابط اجتماعی مستقر و متبلور در مکان است، اما تابع عوامل و عناصر ظاهری و سیمایی آن نیز می‌باشد (Smith, 2016: 112).

مفهوم هویت مکان

در بررسی مفهوم مکان و ارتباط آن با انسان، می‌توان به رابطه‌ای دو طرفه میان آنها، انسان و مکان رسید چراکه کنش و خواست انسانی معنی را به فضا مرتبط می‌سازد و فضای خالی را به مکانی تجربه شده تبدیل می‌کند و به همین ترتیب مکان می‌تواند بر انسان تأثیر متقابل بگذارد و به واسطه معنایش به ارزشها و کنش‌های انسان سمت و سو دهد. از این رو هویت مکان بخشی از هویت شخصی است. هویت مکان در اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی رشد می‌یابد؛ بنابراین بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی مکان گشته و در عین حال در غنای شخصیت فردی، نقش محوری دارد. زیرا بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می‌سازد، مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند، و نیز هنگامی که راجع به خود فکر می‌کند خود را متصل به آن مکان می‌داند و آن مکان را بخشی از خود بر می‌شمارد. به علاوه میان فرد و آن مکان رابطه‌ای عمیق وجود دارد، رابطه‌ای که عمیق‌تر از صرف بودن و تجربه کردن آن مکان می‌باشد (رضازاده، ۱۳۸۰: ۵). علاوه بر این در شکل‌گیری

هویت مکان، نمی‌توان از سه جزء اصلی مکان یعنی محیط کالبدی، فعالیت‌ها و معانی غافل بود، چراکه این سه عنصر در کنار هم مواد خام تشکیل دهنده هویت یک مکان محسوب می‌گردند و رابطه دوسویه میان آنها، عنصر اولیه ساختاری برای ایجاد هویت می‌باشد.

احراز هویت مکان در ارتباط با حس تعلق و دلبستگی به آن

مکان زمینه‌ای از فعالیت‌ها است و عموماً دارای یک هویت شناختی است. همچنین مکان دربرگیرنده دنیا‌های اجتماعی متنوع و دارای تاریخی است که گذشته، حال و آینده را به هم می‌پیوندد. هر کدام از این جنبه‌ها واجد اهمیت است. رِلف در کتاب مکان و بی مکان می‌نویسد: «مکانها ترکیبی از نظم طبیعی و نظم انسانی هستند و از مراکز با اهمیت تجارب بلافصل ما از جهان محسوب می‌شوند». از نظر وی، خاصیت اصلی مکان در توان آن برای نظم دهی و تمرکز بر مقاصد، تجربه و رفتار بشری به طور فضایی نهفته است (پرتوی، ۱۳۹۲: ۷۵). دلبستگی به مکان از مجموع ویژگی‌های محیطی و الگوهای ذهنی افراد تشکیل شده است. این مفهوم از خصوصیات محیط فیزیکی و ارزیابی آنها توسط بهره برداران ایجاد می‌شود و از فردی به فرد دیگر متفاوت است (Riley, 1992: 35). براین اساس دلبستگی به مکان با ویژگی‌های اجتماعی و فردی مخاطبان، میزان ارتباطات افراد در مکان و میزان مشارکت در مراسم جمعی ارتباط مستقیم دارد (Brown & Werner, 1985: 535). دلبستگی به مکان همان‌گونه که با طولانی‌تر شدن مدت سکونت و بازدید فرد در یک محل افزایش پیدا می‌کند، به تعامل فرد با دیگران در آن مکان نیز بستگی دارد (Relph, 1976: 33). از نظر سیتالو^۱ تعلق مکانی از جنبه روان‌شناسی و هویتی قابل تفسیر است. در روان‌شناسی، تعلق مکانی به رابطه شناختی فرد با یک محیط یا یک فضای خاص اطلاق می‌شود و از لحاظ هویتی، تعلق به مکانی رابطه تعلق و هویتی فرد به محیط اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند (لینچ، ۱۳۹۳: ۱۶۷). هویت مکان در عین آنکه وابسته به فرد، تجارت خاص و نحوه اجتماع پذیری آن است، انعکاس دهنده افراد و گروه‌هایی است که در آن مکان خاص زندگی می‌کنند (Proshansky, 1978: 155). گذشته مکانی فرد به عنوان ابزاری در برآوردن نیازهای فرهنگی- اجتماعی، روان- شناختی و فیزیولوژیکی فرد سهیم است. مکان از سه مؤلفه مرتبط به هم که بدان معنا و مفهوم خاص می‌بخشد تشکیل شده است. محیط فیزیکی، روان‌شناسی درونی افراد و فرآیندهای اجتماعی (Canter, 1977: 159). حس مکان وابسته به احساس و تصور افرادی

1. Sitalo

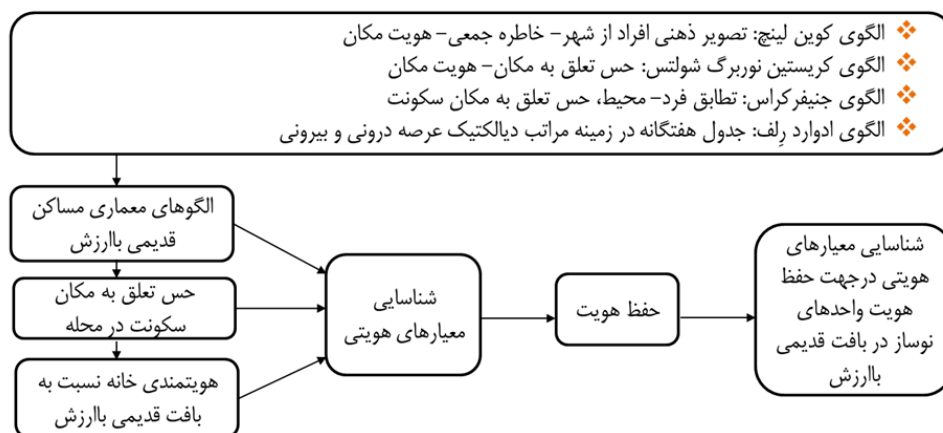
است مکان را تجربه کرده اند و مربوط به نیاز هویت بخشی محیط شخصی و نیاز به بودن در یک مکان با هویت برای افراد است (Relph, 1976: 64). دل‌بستگی به مکان چیزی فراتر از تبعیت از مکان، بلکه منعکس کننده هویت افراد است. «آلتمن» معتقد است که، دل‌بستگی به مکان در نحوه ادراک هویتی فردی و جمعی تأثیرگذار بوده و مبتنی بر فعالیت هایی است که افراد در قالب مقتضیات فرهنگی خود انجام می دهند (Altman & Low, 1992: 148). حس مکان به توانایی مکان در برانگیختن احساسات انسانی به واسطه کیفیاتی بستگی دارد که آن را از سایر مکان‌ها متمایز می کند و هویت مکان تشکیل شده از تصویر ذهنی، تولید تجارب، تفکرات، خاطرات و احساسات بی واسطه و تفسیر هدفمند از آنچه هست و آنچه باید باشد (Relph, 1976: 56). در عین حال، هویت مکان نوعی دل‌بستگی عاطفی با مکان بر پایه اهمیت نمادین مکان، به عنوان ظرف عواطف و احساسات نیز هست که به زندگی فرد، هدف و معنا می‌بخشد (Williams & Vaske, 2003: 835). تحقیقات بر روی حس مکان اغلب بر روی سه ساختار دل‌بستگی به مکان، تبعیت از مکان و هویت مکان متمرکز شده است (Stedman, 2003: 675). از نظر شولتس، پدیده حس تعلق به مکان مفهومی کیفی است و هویت و ساختار مکان، متأثر از مرز/قلمرو، تمرکز/محصوریت، عرصه درونی/عرصه بیرونی، شناسایی و خوانایی است. هر نوع محصوریتی به وسیله مرز تعریف میشود. هایدگر در این باره میگوید: «مکان و قلمروی مرز، بدون ارتباطش با محیط مجاور نمیتواند موجودیت داشته باشد» (Sun-Young: 2003: 26). درواقع، احساس تعلق و وابستگی به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین کننده‌ای می‌یابد. درواقع وابستگی به مکان^۱ رابطه نمادین ایجاد شده توسط افراد به مکان است که معانی احساسی، عاطفی و فرهنگی مشترکی با یک فضای خاص می‌دهد (عنانهاد، غلامعلی زاده، ملک‌جهان، ۱۳۹۸: ۷۸). «رلف» انواع هویت مکان را براساس تصورات از سلسله مراتب دیالکتیک عرصه درون و بیرون مشخص می کند. رلف معتقد است: مفهوم دیالکتیک و عرصه های درون و بیرون، هسته اصلی ساختار سکونت در مکان است. اگر شخصی احساس درون بودن در مکان داشته باشد، وی به جای ترس، احساس ایمنی دارد، به جای بی پناهی، پناهگاه دارد، به جای اضطراب، حس راحتی و تعلق دارد (Relph, 1976: 48). رلف برای عرصه درون - برون قائل به سلسله مراتبی هفتگانه است:

1. Dependence on location

جدول ۱- سلسله مراتب دیالکتیک عرصه درون و بیرون از دیدگاه رلف (Relph, 1976: 48)

ردیف	سلسله مراتب دیالکتیک عرصه درون و بیرون	نظریه و توضیحات
۱	عرصه بیرونی هدفمندانه	مکان، به عنوان یک شی، مجزا از فرد تجربه کننده مکان مورد مطالعه قرار می گیرد.
۲	عرصه بیرونی وجودی	شخص حس می کند جدا از مکان یا خارج آن است. (حس بیگانگی، بی خانمانی و...)
۳	عرصه بیرونی ضمنی	موقعیتی که در آن، مکان صرفاً جایگاهی برای نوعی فعالیت است.
۴	عرصه درونی وجودی	شامل حس وابستگی و راحتی در مکان بوده و این حس عمیق ترین نوع تجربه مکان است.
۵	عرصه درونی غیر مستقیم	موقعیتی که از درگیری عمیقاً دست دوم (از طرق نقاشی و داستان و...) با مکان مرتبط می شود.
۶	عرصه درونی توأم با همدلی	موقعیتی که در آن شخص به عنوان یک فرد بیرونی تلاش می کند مکان را عمیقاً بشناسد.
۷	عرصه درونی رفتاری	موقعیتی که در برگزیده دقت و توجه سنجیده و حساب شده به ظاهر مکان است.

می توان گفت تمرکز و محصوریت نقش مهمی را در ایجاد درک فضایی و ارتباطی استفاده کننده و محیط ایفا میکند تا جایی که اگر یک فضا به شکل مطلوبی محصور نشود، نمی توان به یک فضای شهری مطلوب دست یافت (Schulz, 2008: 35).



نمودار ۱- متغیرها و مدل مفهومی پژوهش

پیشینه پژوهش

مطالعه سیستماتیک در مورد کیفیت محیط سکونتی تقریباً جدید است و به طور کلی منحصر به نیمه دوم قرن بیستم می شود. شاید بتوان گفت توجه به کیفیت محیط کالبدی برای اولین بار در نوشته‌های کوین لینچ^۱ مطرح گردید که در آن به بررسی رابطه بین کیفیت محیط زندگی با کیفیت زندگی ساکنین پرداخت. کرپ^۲ و زاوادسکی^۳ مطالعات و پژوهش در این زمینه را به دو دسته تقسیم نموده اند؛ ۱- بعضی از مطالعات اولیه به طور جنبی به موضوع کیفیت محیط مرتبطند و ویژگی بیشتر این مطالعات بررسی رابطه متقابل فرد با محیط بلافصل خود است. ۲- بعضی دیگر از تحقیقات انجام شده در زمینه کیفیت محیط، بر روی خصوصیات افراد ساکن در یک محله به عنوان همسایه متمرکز شده است (لینچ، ۱۳۹۳: ۱۲۳). نتایج این مطالعات نشان داده که خصوصیات افراد ساکن در محله خیلی مهمتر از شاخص‌های فیزیکی محلات در تعیین میزان رضایت ساکنان است. به طور کلی تحقیقات در زمینه کیفیت محیط شهری در ابتدا از کیفیت مسکن و میزان رضایت از محیط بلافصل سکونتی شروع گردید و به تدریج به حوزه‌های وسیع‌تر در سطح محلات، اجتماعات محلی، شهر، منطقه و کشور کشیده شده است. جین جکوبز^۴ در سال ۱۹۶۱ در کتاب زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا، ۵ معیار را برای محیطی با کیفیت مطلوب در نتایج پژوهش خود بیان می کند: ۱- ملحوظ داشتن فعالیت‌های مناسب بیش از توجه به نظم بصری محیط، ۲- استفاده از کاربری مختلط چه به لحاظ نوع استفاده و چه از نظر حضور ابنیه با سنهاى مختلف در ناحیه، ۳- توجه به عنصر خیابان، ۴- نفوذپذیر بودن و قابل دسترس بودن بافت، ۵- اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیر بودن فضاها (ممتاز، ۱۳۷۹: ۱۹۴). نتایج مطالعات انجام گرفته توسط کوین لینچ راجع به تصویر ذهنی افراد از شهر خود حاکی از آن است که شهروندان "نقشه ذهنی" شهر یا محله خود را در پنج عنصر و روابط بین آنها خلاصه می کنند: مسیر، گره، لبه، نشانه، حوزه. آنچه در کنار کالبد شهری معنا بخش تصور ذهنی شهر در ذهن مخاطب می باشد، کیفیت حضور انسان و بروز رفتار اجتماعی متناسب در ارتباط با عناصر مذکور خواهد بود (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۴۸). بافت‌های قدیمی با فعالیت‌ها و روابط بین افراد تعریف می شده و همین روابط انسان‌ها و تصورات ذهنی خاطرات جمعی را شکل می دهند. در گذشته به علت نزدیک بودن محل زندگی به محل کار، گذراندن زندگی به صورت جمعی با ساکنین محل شکل می گرفت و این خود موجب احساس تعلق به مکان و دلیل داشتن خاطرات مشترک در یک محله قدیمی بوده است. خاطره را برای اولین بار

-
1. Lynch
 2. Crepe
 3. Zawodski
 4. Jane Jacobs

موریس هالبواکس، جامعه شناس فرانسوی، در کتاب "چارچوبهای اجتماعی خاطره"، مطرح کرد (آزاد و پرتوی، ۱۳۹۱: ۳). براساس نظریه هالبواکس^۱ و نتایج حاصله در حیطه خاطره جمعی، به این نکته اشاره می کند که عضویت فرد در گروه، زمینه هایی را فراهم می آورد که فرد را قادر به خاطر سپردن و فراموش کردن رویدادها می کند و بدون وجود این زمینه عمل، به خاطر آوردن امکان پذیر نیست. به گفته والتر بنیامین^۲: "خاطره ابزار تفحص گذشته نیست، بلکه صحنه ای است برای آن، خاطره میانجی تجربه در بافت گذشته است". در عرصه معماری و شهرسازی، خاطره جمعی از دهه ۱۹۷۰ به این سو و در نتیجه به کارگیری نابجای پیشنهادهای منشور آتن مورد توجه قرار گرفت. افرادی همچون آلدوروسی^۳، کریستین نوربرگ شولتز^۴، کوین لینچ، کریستوفر الکساندر^۵ و کریستین بویر^۶ (تاریخ شناس شهری) هر یک به بیان جنبه های گوناگون ارتباط خاطره جمعی با مکان و هویت پرداخته اند. متأسفانه در ایران پژوهش های هدفمندی در این حیطه صورت نگرفته است. همان طور که گفته شد موضوع کیفیت محیط به ویژه در بافتهای قدیمی اهمیت بالایی دارد. در این راستا نتایج برخی از مهم ترین پژوهش های صورت گرفته مرتبط اشاره می شود: حبیبی با رویکرد مطالعاتی ذهنی در خیابان نیاوران تهران به بررسی خاطرات و نقش کالبد فیزیکی در پاسخگویی به احیاء هویت از دست رفته و معنای حس مکان در بافتهای شهری پرداخت و یافته های پژوهش حاکی از آن بود که تاثیرپذیری مولفه حس تعلق در نمونه موردی با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می شود و این متغیر تاثیر معناداری بر ارتقاء هویت مکان دارد (حبیبی، ۱۳۷۸: ۱۸). بهرام سیاوش پور و همکاران در مقاله خود با عنوان، "شناسایی مؤلفه های هویت ساز بومی بافتهای تاریخی فرسوده شهری"^۷، به شناسایی مؤلفه های هویت مند بومی بافتهای تاریخی شهری و شناسایی ویژگی های ارزشمند هویتی مناطق شهری قدیمی پرداخته اند. بررسی ها حاکی از آن است که مؤلفه های هویت ساز بومی در بافت تاریخی شامل شاخص های عینی و فیزیکی، ابعاد ذهنی، سبک های معماری، چارچوب های اجتماعی، عوامل سیاسی، اقلیمی، و فرهنگی می باشند (سیاوش پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲). در پژوهش بمانیان و همکاران تحت عنوان، عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه های ایرانی، نمونه موردی خانه رسولیان یزد، حاکی از آن است که عناصر ساختاری بنا شامل ورودی خانه، هشتی، نمای بیرونی، حیاط و بررسی نما ارتباط بسیار نزدیکی با هویت برقرار کرده و نمود مؤلفه های هویت در نمای بیرونی توجه به باطن و نبود روزنه به بیرون

-
1. Halbox
 2. walter Benjamin
 3. Aldoosi
 4. Christiana Norberg Schultz
 5. Christopher Alexander
 6. Christine Boyer

است (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۶). در مطالعات عزیزی و ارباب در مقاله خود با عنوان، شناسایی و ارزیابی فرآیند شکل‌گیری هویت در شهرهای جدید؛ مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد، نتایج حاصله نشانگر آن است که خوانایی و قابلیت تشخیص، تعاملات اجتماعی، خاطره‌انگیزی و احساس تعلق و وابستگی معیارهای شکل‌گیری هویت رد زمان و فرصت هستند و از طریق شاخص‌های تناسب، تعادل و نظم در بعد عینی و با معنا بودن، آرامش و خوانایی در بعد ذهنی هویت در بافت‌های قدیمی بازشناسایی می‌شود (عزیزی و ارباب، ۱۳۸۹: ۴۸). درارتباط با مطالعات و کتب پژوهشی که زیرنظر سازمان‌ها و نهادهای علمی و دولتی بچاپ رسیده‌اند می‌توان به طرح جامع و طرح ساماندهی بافت قدیم و طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده رشت و طرح بهسازی آرامگاه خواهر امام و محدوده اطراف آن اشاره کرد. دستاوردهای این طرح‌ها به علت توجه نکردن در بازشناسی دقیق الگوهای معماری در بافت‌های قدیمی و باارزش، فقط تاحدودی منجر به ارائه راهبردهای بازآفرینی فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی، بازآفرینی کالبدی غیرمسکونی و راهبردهای توسعه گردشگری شهر رشت شده است. اساساً نحوه برخورد با موضوع این پژوهش که در آن صرف نظر از نیازهای کمی، نیازهای روان شناختی و جنبه‌های کیفی و بدنبال آن رفتارهای شخصی و اجتماعی کاربران ملاک تعیین ویژگی‌های محیطی باشد از سابقه کمتری برخوردار است. به عبارتی دیگر، در جهت رسیدن به راهکارهای اثباتی، تحلیل و بررسی رابطه تعاملی میان محیط ساخته شده و نیازهای پایه و فرایندهای کاربران می‌تواند از جنبه‌های تازه این تحقیق تلقی گردد. علاوه بر آن وجود ویژگی‌های خاص هر مکان جغرافیایی و تعیین راه کارهای معماری برای آن که با ملاحظه پرهیز از تکرار و اقتباس صورت پذیرد، جنبه‌های دیگری از خلاقیت و بطبع تازگی را در خود مستتر خواهد داشت. موضوع هویت در بافت‌های قدیمی باارزش نه تنها در ایران، بلکه در کشورهای دیگر نیز مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. بر طبق مطالعات کوین لینچ معیارهایی برای نما و ظاهر مطلوب بیان می‌کند که عبارتند از: « تنوع، قابلیت شناسایی، سرزندگی، خاطره‌انگیزی، وضوح و خوانایی، سادگی، هویت، تهییج، مطابق با محیط». از نظر لینچ هویت در مناطق شهری را می‌توان در گستره وسیعی از ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تعریف نمود و در مورد نقص‌های موجود در نمای خارجی به عوامل اختلال در خط افق و ناهماهنگی در ارتفاع، اضافه کردن جزئیات نامناسب به نما و تغییر کنترل نشده رنگ‌ها و مصالح ساختمان‌ها اشاره نمود (لینچ، ۱۳۹۳: ۴۸). بر طبق پژوهش و نظر "مامفورد" (۲۰۰۳) یک شهر یک دنیای سمبلیک در اجزای آن و به عنوان یک کل است. هر بخش از بافت شهر معنای خود را دارد؛ قسمتی از یک تصویر بزرگتر را منتقل می‌کند. یک معیار مهم که هویت مذکور را می‌سازد معماری است (Atalan, 2016: 124). بنابراین، توجه به هویت شهر و عوامل مؤثر در شکل‌گیری در آن، می‌تواند

رهنمود ما در راستای رسیدن به عوامل هویت ساز یک بوم در بافت تاریخی به عنوان قسمتی از یک کل باشد. برطبق پژوهش‌های صورت گرفته توسط تول^۱، هویت بافت قدیمی به معنای هویت محلی یک شهر به عنوان یک مجموعه مهم در سیاست‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی شهر است، زیرا «هویت» است که فضای شهری را به مکانی متمایز تبدیل می‌کند. حفظ هویت بافت قدیمی شهری صرفاً ویژگی‌های طرّاحی نیست، بلکه نتیجه یک فرآیند جمعی مبتنی بر تفسیر و روایت است.

هویت شهری یک زنجیره کمی و کیفی، ذهنی و عینی، مادی و معنوی، دارای بعد فضایی و زمانی، توانایی دعوت و شناسایی محیط در ابعاد متفاوتی است که افراد وابستگی‌های خاصی به آن دارند، ریشه در زمان حال و گذشته دارد و در آینده در اشکال مختلف ظاهر خواهد شد (Tolle, 2010: 348). طبق پژوهش‌های صورت گرفته "چپمن"^۲، در بسیاری از شهرهای جدید، ایجاد تسهیلات اجتماعی، گذران اوقات فراغت و تفریح، زمانی طولانی بعد از ساخت خانه‌ها آغاز می‌گردد و این در ایجاد حس بیگانگی در میان مردم محل تأثیر می‌گذارد. وی با اشاره به اینکه شهرهای جدید، گاهی به دلیل یکنواختی و سادگی طرح آنها مورد نقد قرار می‌گیرند، معتقد است مکان‌ها می‌توانند توسط استفاده کنندگان تسخیر یا تصرف شوند. آنها تجارب فضایی بسیار متنوعی را فراهم آورده و به منطقه هویت می‌بخشند (چپمن، ۱۳۸۴: ۳۶). برطبق پژوهش "الکساندر"^۳، هویت را تجسم کیفیتی بی‌نام می‌داند که مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر، بنا یا طبیعت است، اما نمی‌توان نامی بر آن گذاشت. از نظر وی، برای تعریف این کیفیت در بناها و شهرها، باید کار را با درک این مطلب شروع کرد که هویت هرفضا از تکرار مستمر الگوهای خاص از رویدادها در آن مکان، حاصل می‌شود. الگوی رویدادها همواره با الگوهای صوری خاصی در فضا، پیوندی ناگسستنی دارند (الکساندر، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

روش پژوهش یافته‌ها

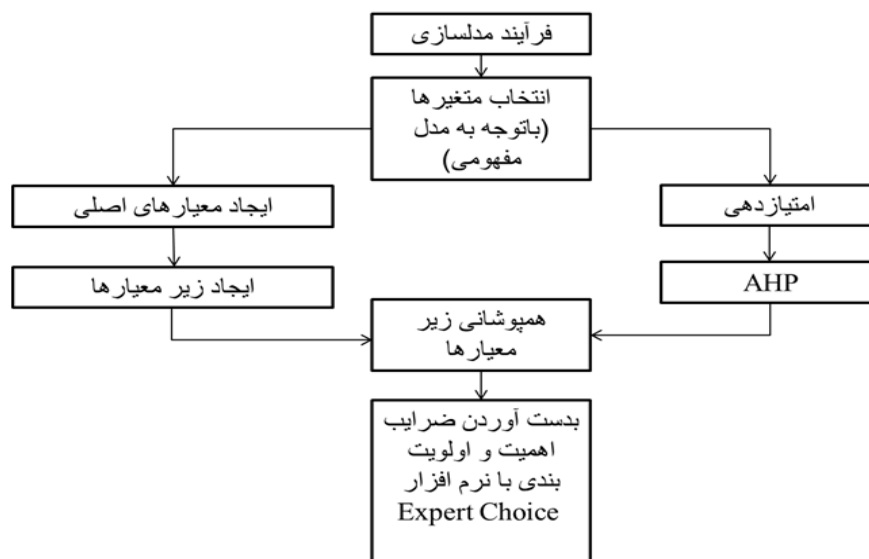
روش تحقیق، به لحاظ هدف کاربردی، به لحاظ ماهیت ترکیبی^۳ و گردآوری داده‌ها به دو شیوه اسنادی (مطالعات نظری و داده‌های توصیفی محله قدیمی منتخب) و میدانی (برداشت میدانی از خانه‌های منتخب) با تکنیک پرسشنامه به صورت سوالهای بسته در قالب طیف لیکرت (پنج طیف از بسیار کم تا بسیار زیاد) انجام گردید. در روش تجزیه و تحلیل، در بخش‌هایی از این تحقیق، باتوجه به پیچیدگی در شناسایی معیارهای هویتی و همچنین سنجش میزان حس تعلق ساکنین

1. Tolle
2. Chapman
3. Mixed methd research

نسبت مکان سکونت از رویکرد ترکیبی کمی و کیفی استفاده شده است. از این رو، بخش توصیفی براساس نوشتار، جداول نوشتاری و مقایسه‌های تصویری به صورت کیفی تحلیل شدند و در بخش‌های دیگر در پژوهش حاضر شاخصه‌های آماری، جداول، نمودارها به صورت کمی صورت گرفته است. البته در بخش‌هایی از این تحقیق، با توجه به نیازهای تحلیلی از مقایسه رویکردهای کمی و کیفی به روش ترکیبی نیز استفاده شده، تحلیل داده‌های کمی و کیفی این پژوهش توسط نرم افزار SPSS و GIS و فرآیند تحلیل سلسله مراتبی A.H.P^۱ توسط نرم افزار Expert Choice11 پذیرفته است. برای تعیین پایایی ابزار پرسشنامه تحقیق، از آزمون آلفای کرونباخ در نرم افزار SPSS استفاده شد که مقدار آن در پرسشنامه اول ۰/۷۱۷ و در پرسشنامه دوم ۰/۷۳۴ و در پرسشنامه سوم ۰/۷۵۸ با پایایی قابل قبول بدست آمده است. سپس با بررسی ادبیات مربوط به معیارهای سنجش شاخصها در این مرحله جدول فرآوانی میزان پاسخگویی شهروندان به پرسش‌های درون پرسشنامه جهت مقایسه ضرایب معیارهای زوجی توسط نرم افزار SPSS صورت پذیرفت و در جدول نه کمی ساعتی، مقایسه دودویی و زوجی شاخصها ضریب امتیاز تعیین گردید، در نهایت مقایسه‌هایی را بین معیارها و زیرمعیارهای تصمیم‌گیری انجام داده و ضرایب آن‌ها را نسبت به یکدیگر در نرم افزار Expert Choice11 تعیین و پس از شناسایی شاخص‌های ارزیابی هویتی و معیارهای کلی و زیرمعیارهای سنجش آن‌ها با استفاده از فرآیند سلسله مراتبی AHP در قالب سه مرحله: ۱- ساخت سلسله مراتبی، ۲- مقایسه‌های زوجی و ۳- وزن نهایی گزینه‌ها صورت پذیرفت و اولویتبندی معیارها در حفظ هویت مسکن محله ساغریسازان مشخص گردید. در این میان سنجش و ارزیابی هویت در هر فرضیه و در مجموع کل محله قدیمی ساغریسازان، از طریق وزن دهی به امتیازات معیارهای کلی درون پرسشنامه که شامل: ۱- حس تعلق به مکان سکونت، ۲- الگوهای معماری قدیمی مسکن، ۳- بافت قدیمی باارزش، و اولویتبندی حفظ هویت در زیرمعیارهای به ترتیب شامل موارد زیر است: ۱- شناسایی مکان و حس تعلق به مکان سکونت ۲- رضایت مندی از سکونت ۳- مدت زمان سکونت ۴- عرصه‌های درونی و بیرونی ۵- رضایت مندی از سکونت ۶- خاطره انگیزی رویدادها ۷- ویژگی‌های کالبدی ۸- تمرکز و محصوریت ۹- احساس امنیت و خوانایی، به وسیله فرآیند تحلیل سلسله مراتبی A.H.P صورت پذیرفت. دو زیرمعیار، شامل "مدت زمان سکونت" و "رضایت مندی از سکونت" نیز به عنوان معیارهایی که به نظر می‌رسد دارای ارتباط معنادار با هویت‌مندی الگوهای معماری مسکن قدیمی هستند، در ابتدای پرسش نامه مورد توجه قرار گرفتند. در انتخاب نمونه‌ها با توجه به در نظر گرفتن جدول مورگان و با توجه به محدوده جمعیت بافت محله، حجم جامعه (N) شامل تعداد خانه‌های قدیمی باارزش

1. Analytical Hierarchy Process

می‌باشد که بالای ۵۰ سال قدمت دارند و در حال حاضر افرادی که در خانه‌های قدیمی بارزش محله ساغریسازان زندگی می‌کنند ۵۵ خانوار شناسایی شده است (در این گزینش جامعه آماری تلاش شد به تمامی اقشار استفاده کننده از خانه های بومی و قدیمی بارزش واقع در محله ساغریسازان، شامل خانه‌هایی که ساکنین در حال حاضر سکونت دارند و خانه‌های تغییر کاربری و بازسازی شده، توجه شود). حجم نمونه (S) باتوجه به تعداد حجم جامعه که ۵۵ خانوار بود، برطبق جدول مورگان ۴۷ خانوار در بافت قدیمی و بارزش ساغریسازان انتخاب شده است. به عبارت دیگر شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش مشخصاً عقل و استدلال بوده است. با این بیان که از طریق استدلال استقرایی، شبیه سازی و مدلسازی که جملگی به کمک تفکر، تعقل و منطق صورت می‌گیرد، داده‌های گردآوری و ارزیابی و تحلیل شده است.



نمودار ۲- سلسله مراتب اولویت‌بندی معیارها در حفظ هویت

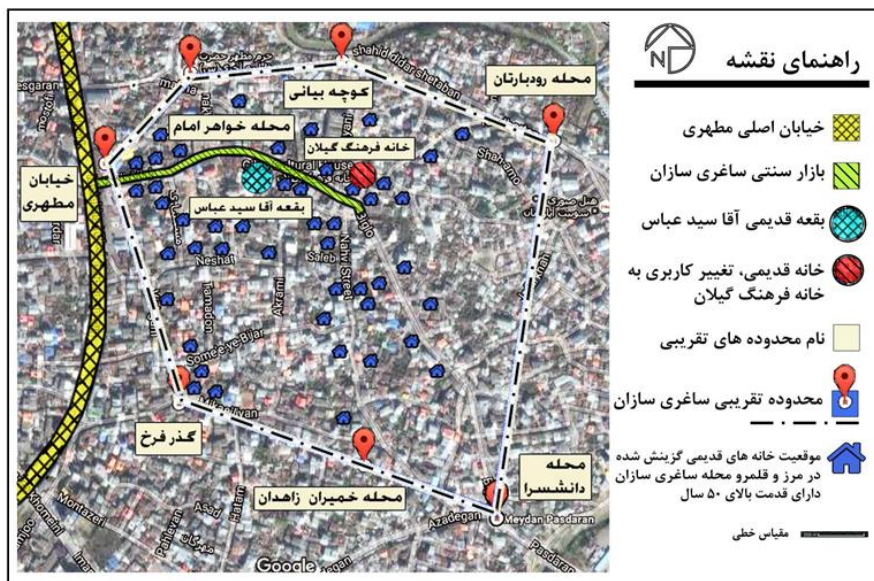
محدوده مورد مطالعه

شهر رشت در وضع طبیعی خود، جزء کوچکی از جلگه گیلان است که در دشتهای جنوبی دریای خزر واقع شده است. این جلگه در دو حد جنوبی و شمالی خود بین کوه‌های البرز و نوار ساحلی قرار دارد. این شهر، مرکز شهرستان و استان در طول جغرافیایی ۴۹ درجه و ۳۵ دقیقه‌ی شرقی واقع شده است. شهر رشت از شمال به دریای خزر و بندر انزلی، از جنوب به شهرستان رودبار، از شرق به شهرستانهای سیاهکل و آستانه اشرفیه و از غرب به شهرستانهای فومن، صومعه سرا و شفت منتهی می‌-

شود (شکل ۱). شهر رشت با مساحت ۱۴۶۷۰/۸ هکتار و جمعیت براساس آمار سال ۹۴ معادل ۶۹۸۰۱۴ نفر است که دارای بافت فرسوده و قدیمی مصوب به مساحت ۹۶۵/۶ هکتار می‌باشد که نسبت مساحت بافت فرسوده به سطح کل شهر رشت معادل ۰/۰۷ درصد نسبت به مساحت کل شهر می‌باشد (<https://www.amar.org.ir>)، سرشماری نفوس و مسکن ایران-گیلان، ۱۳۹۴). محلات قدیمی و تاریخی شهر، ۸ محله به نام‌های کیاب، خمیران، چوماسرا، پسکیا، استادسرا، بازار، صیقلان، زاهدان بودند. به‌مرور با تغییرات عمرانی ناشی از طرح جامع اول در شهر و احداث معابر جدید و عریض، مرز محلات تغییر یافت، به‌عبارتی خیابان‌های نسبتاً عریض و جدیدالاحداث، قاطعانه ارتباطات کالبدی و عملکردی و روابط اجتماعی اهالی داخل محلات را جدا نموده و همراه با رودخانه‌های زرجوب و گوهررود مرزهای جدید محلات را رقم زد. به‌همین علت محدوده برخی محلات با محدوده گذشته آن متفاوت شد و نه تنها محدوده محلات، بلکه عناوین محلات باقی مانده از دوره قاجار نیز تغییر کرد. ساغریسازان بخشی از محله بزرگ خمیران زاهدان است و از جمله محلات قدیمی و باارزش شهر رشت محسوب‌امی- شود (شرکت مهندسی طرح و کاوش: ۱۳۸۶، ۳۴).



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی محله قدیمی ساغریسازان در شهر رشت نسبت به مقیاس کشوری، استانی و شهری (مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۹، <https://www.google.com/maps/place/Rasht>)



شکل ۲- بزرگنمایی محدوده و موقعیت خانه های قدیمی گزینش شده در مرز و قلمرو محله ساغریسازان
(Source: <https://www.google.com/maps/place/Rasht>)

با بررسی هایی که در زمینه تاریخچه شکل گیری محلات در شهر رشت انجام شد، در این پژوهش "محله ساغریسازان" به عنوان قلمرو مکانی انتخاب شده است. ساغریسازان بخشی از محله ی بزرگ زاهدان است و از جمله محلات قدیمی شهر رشت محسوب می شود. این محله با مساحتی بالغ بر ۵۶ هکتار، ۲۱۱۰ خانوار را در خود جای داده است (شکل ۲).



شکل ۳- نقشه و عکس پاناراما از خیابان اصلی ساغریسازان، بازار سنتی و دسترسی به خانه های بومی

به گفته خمایی زاده: "ساغریسازان محدوده گسترده ای است دربخش خاوری رشت، از خاور به رودخانه سیاه رودبار (صیقلان رودبار) و یا (زرچوب) و از باختر بعد از مدرسه حاج سمیع به گذر (معین السلطنه) از شمال بعد جیرباغ، یهودی تپه و رودبارتان به قسمت دیگری از رودخانه ی زرچوب (خواهرامام) و از جنوب به خمیران زاهدان و بخشی از خیابان (آزادگان) امروزی می‌رسید. بستری که این محله و محله ی صیقلان در آن واقع شده‌اند، باتوجه به بلندی نسبی این بستر نسبت به زمین های شمالی و جنوبی آن که گود افتاده و در بسیاری از جاها آبگیر می‌باشند، می‌بینیم بصورت نواری خاوری باختری از صیقلان تا پل چماسرا کشیده شده است و سبب شده است تا محله های زیادی در مرکز و شمال و جنوب آن شکل بگیرد و مورد استفاده بخش های خصوصی و دولتی واقع شوند. وجود چشمه های فراوان با آب گوارا مانند چشمه ی "ولی بزرگوار" در پل عراق و چشمه ی "چماسرا" که متاسفانه هر دو در اثر بی‌توجهی مردم و مسئولان کور و بی‌استفاده مانده‌اند، عامل دیگری برای انتخاب این بستر جهت احداث مسکن بوده است" (خمایی زاده، ۱۳۹۰، ۲۹). باتوجه به اینکه ناحیه مورد مطالعه جزء بافت قدیمی شهر رشت می‌باشد، واجد عناصر با ارزش قدیمی است. برخی از این ابنیه که به ثبت میراث فرهنگی نیز رسیده اند، مرمت شده و هم‌اکنون به‌عنوان فضاهای اداری و فرهنگی مورد استفاده‌اند. اما بسیاری از ابنیه با ارزش قدیمی این

ناحیه خصوصاً در اطراف حرم خواهرامام، دچار فرسودگی شدید کالبدی بوده که در صورت مرمت و بازسازی در کاربری‌های مناسب، پتانسیل فراوانی در تبدیل شدن به بناهای باارزش محدوده را دارند (شکل ۳).

یافته‌های پژوهش

در این میان سنجش و ارزیابی هویت در هر فرضیه و در مجموع کل محله قدیمی ساغریسازان، از طریق وزن دهی به امتیازات معیارها توسط خروجی داده‌های پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS شامل ۳ گزینه زیر می‌باشد (به علت نشناختن واژه‌های فارسی در نرم افزار Expert Choice هریک از معیارها و زیرمعیارها به انگلیسی برگردان و در فیلهای تحلیلی اعمال شدند):

۱. الگوهای معماری قدیمی مساکن^۱: اکثر ساکنین این بخش خانوارده قدیمی هستند، اما خوانایی و قابلیت تشخیص خانه‌ها نسبت به بافت در این مکان بالا است.
 ۲. حس تعلق به مکان سکونت^۲: اگر چه ساکنین زیادی در این محله قدیمی وجود ندارد، اما وقایع و رویدادها و عناصر خاطره انگیز در این محله قدیمی شدید است.
 ۳. بافت قدیمی باارزش^۳: اگرچه احساس تعلق و وابستگی ساکنین خانه‌ها نسبت به محله زیاد است، اما پس از ساخت و سازهای جدید هویتی برای این بخش وجود ندارد.
- طی مطالعات صورت گرفته ۹ گزینه^۴ برای زیرمعیارها وجود دارد، معیارها عبارت بودند از:

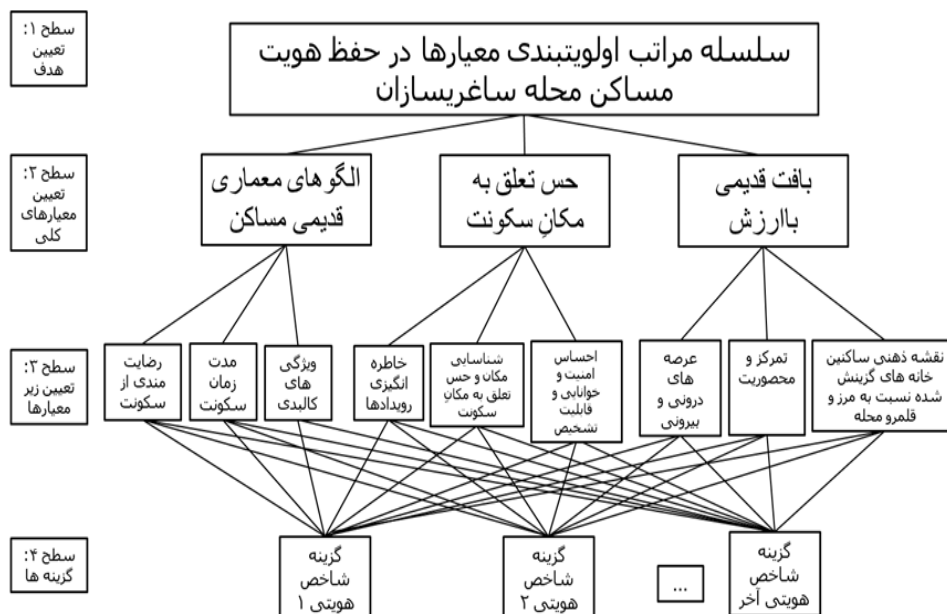
۱. خاطره انگیزی رویدادها^۵
۲. احساس امنیت و خوانایی^۶
۳. شناسایی مکان و حس تعلق به مکان سکونت^۷
۴. رضایت مندی از سکونت^۸
۵. مدت زمان سکونت^۹
۶. ویژگی‌های کالبدی^{۱۰}

1. Old House Architecture Patterns
2. Sense of belonging to the place of residence
3. Precious old texture
4. Alternative
5. Memorable events
6. Feel safe and readable
7. Identification and sense of belonging to the place of residence
8. Residence Satisfaction
9. Duration of residence
10. Physical features

۷. نقشه ذهنی ساکنین^۱

۸. تمرکز و محصوریت^۲

۹. عرصه های درونی و بیرونی^۳



نمودار ۳- ساخت سلسله مراتبی اولویتبندی شاخصهای ارزیابی معیارهای هویتی در محله

مرحله دوم، مقایسه زوجی: در این مرحله خبرگان مقایسه هایی را بین معیارها و زیرمعیارهای تصمیم گیری انجام داده و امتیاز آن ها را نسبت به یکدیگر تعیین می کنند. این مقایسه ها براساس جدول نه کمیتی انجام میشود (جدول ۲). ارجحیت یک گزینه یا عامل نسبت به خودش مساوی با یک است، لذا اصل معکوس بودن یک عامل نسبت به دیگری و ارجحیت یک برای یک عامل یا گزینه نسبت به خودش، دو خاصیت اصلی ماتریس مقایسه ای دو به دویی در فرآیند AHP هستند.

1. The inhabitants' mental map
2. Focus and Confidentiality
3. Internal and external arenas

جدول ۲- جدول نه کمیتی ساعتی مقایسه دودویی شاخصه (Bertolini, 2006: 424)

امتیاز	تعاریف	تعاریف	توضیحات
۱	Equally preferred	اهمیت مساوی	در تحقق هدف، دو شاخص اهمیت مساوی دارند.
۳	Moderately preferred	اهمیت اندکی بیشتر	تجربه نشان می دهد که برای تحقق هدف، اهمیت i اندکی بیشتر از j است.
۵	Strongly preferred	اهمیت بیشتر	تجربه نشان می دهد که برای تحقق هدف، اهمیت i بیشتر از j است.
۷	Very strongly preferred	اهمیت خیلی بیشتر	تجربه نشان می دهد که برای تحقق هدف، اهمیت i خیلی بیشتر از j است.
۹	Extremely preferred	اهمیت مطلق	اهمیت خیلی بیشتر i نسبت به j به طور قطعی به اثبات رسیده است.
۸ و ۴ و ۶ و ۲	Intermediate values	ترجیحات بینابین	هنگامی که حالت میانه وجود دارد.

در این مرحله جدول فراوانی میزان پاسخگویی شهروندان به پرسش‌های درون پرسشنامه جهت مقایسه ضرایب معیارهای زوجی توسط نرم افزار SPSS صورت پذیرفت و در جدول نه کمیتی ساعتی مقایسه دودویی شاخص‌ها ضریب امتیاز تعیین گردید، در نهایت مقایسه‌هایی را بین معیارها و زیرمعیارهای تصمیم‌گیری انجام داده و ضرایب آن‌ها را نسبت به یکدیگر در نرم افزار Expert Choice تعیین گردید.

جدول ۳- ضریب بدست آمده از جدول فراوانی در نرم افزار SPSS پاسخگویی شهروندان به پرسش‌های درون پرسشنامه جهت مقایسه ضرایب معیارهای زوجی

ردیف	معیارهای کلی	زیرمعیارها	تعاریف انگلیسی در نرم افزار Expert Choice	ضریب بدست آمده از جدول فراوانی در نرم افزار SPSS
۱	الگوهای معماری	رضایت مندی از سکونت	Residence Satisfaction	۷۵٪ رضای از مکان سکونت - ضریب امتیاز ۷
		مدت زمان سکونت	Duration of residence	۶۵٪ بیش از ۳۰ سال ساکن محله - ضریب امتیاز ۵
	مسکن قدیمی	ویژگی‌های کالبدی	Physical features	۵۳٪ موافق وجود عناصر کالبدی بومی - ضریب امتیاز ۲

			امتیاز ۵	
۶۴٪ مکان های مذهبی و وجود خانه های قدیمی-ضریب امتیاز ۵	Memorable events	خاطره انگیزی رویدادها	حس تعلق به مکان سکونت	۲
۵۶٪ امنیت و خوانایی محله - ضریب امتیاز ۳	Feel safe and readable	احساس امنیت و خوانایی	۵۶٪	
۵۱٪ حس تعلق به مکان سکونت - ضریب امتیاز ۲	Identification and sense of belonging to the place of residence	شناسایی مکان و حس تعلق به مکان سکونت	ضریب امتیاز ۳	
۵۲٪ شناخت نقشه ذهنی در محله - ضریب امتیاز ۲	The inhabitants' mental map	نقشه ذهنی ساکنین	بافت قدیمی	۳
۴۷٪ تمرکز و محصوریت خانه نسبت به دیگر بناها - ضریب امتیاز ۱	Focus and Confidentiality	تمرکز و محصوریت	بازرزش	
۷۹٪ عرصه درونی وجودی- ضریب امتیاز ۷	Internal and external arenas	عرصه های درونی و بیرونی	۵۹٪	ضریب امتیاز ۳

جدول زیر نشان دهنده اهمیت ضریب نسبی معیارهای کلی که توسط نرم افزار SPSS صورت پذیرفت می باشد. ضریب نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی این معیارها ۰/۰۰۰۶۸ بوده که نشان دهنده دقت قابل قبول این مقایسه زوجی است.

جدول ۴- ماتریس ارجحیت نسبی معیارهای کلی

معیارهای کلی	الگوهای معماری قدیمی مساکن	حس تعلق به مکان سکونت	بافت قدیمی بازرزش
الگوهای معماری قدیمی مساکن	۱	۵	۳
حس تعلق به مکان سکونت	-	۱	۳
بافت قدیمی بازرزش	-	-	۱

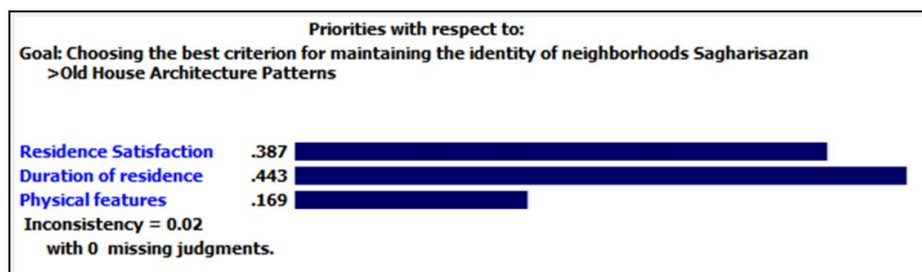
Priorities with respect to:	
Goal: Choosing the best criterion for maintaining the identity of neighborhoods Sagharisazan	
Old House Architecture Patterns	.352
Sense of belonging to the place of residence	.362
Precious old texture	.286
Inconsistency = 0.00068 with 0 missing judgments.	

نمودار ۴- نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی ضرایب معیارهای کلی

پس از مقایسه معیارهای کلی سنجش شاخص‌های ارزیابی حفظ هویت مسکن محله ساغریسازان، زیرمعیارهای هر یک از معیارهای کلی بصورت زوجی با یکدیگر مقایسه می‌شوند. جدول زیر نشان دهنده اهمیت نسبی معیارهای الگوهای معماری قدیمی مسکن از نتایج تحلیلی در نرم افزار SPSS می‌باشد. نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی زیر معیارهای الگوهای معماری قدیمی مسکن ۰/۰۲ است که نشان دهنده دقت بسیار بالای این مقایسه زوجی است.

جدول ۵- ماتریس ارجحیت نسبی زیر معیارهای الگوهای معماری قدیمی مسکن

ویژگی های کالبدی	مدت زمان سکونت	رضایت مندی از سکونت	معیارهای الگوهای معماری قدیمی مسکن
۲	۷	۱	رضایت مندی از سکونت
۵	۱	-	مدت زمان سکونت
۱	-	-	ویژگی های کالبدی



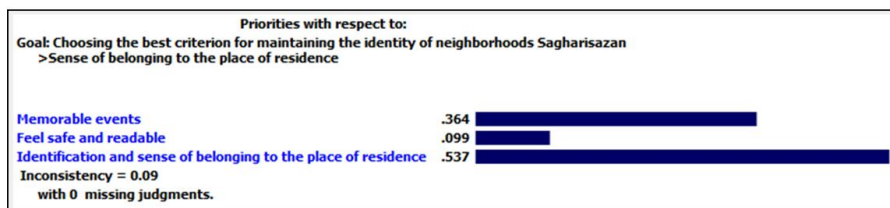
نمودار ۵- نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی ضرایب زیر معیارهای الگوهای معماری قدیمی مسکن

جدول زیر نشان دهنده اهمیت نسبی زیرمعیارهای حس تعلق به مکان سکونت از نتایج تحلیلی در نرم افزار SPSS می‌باشد. نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی معیارهای حس تعلق به مکان سکونت ۰/۰۹ است که نشان دهنده دقت بسیار بالای این مقایسه زوجی است.

جدول ۶- ماتریس ارجحیت نسبی زیر معیارهای حس تعلق به مکان سکونت

احساس امنیت و خوانایی و قابلیت تشخیص	شناسایی مکان و حس تعلق به مکان سکونت	خاطره انگیزی رویدادها	معیارهای حس تعلق به مکان سکونت
۳	۵	۱	خاطره انگیزی رویدادها
۲	۱	-	شناسایی مکان و حس

			تعلق به مکان سکونت
۱	-	-	احساس امنیت و خوانایی و قابلیت تشخیص

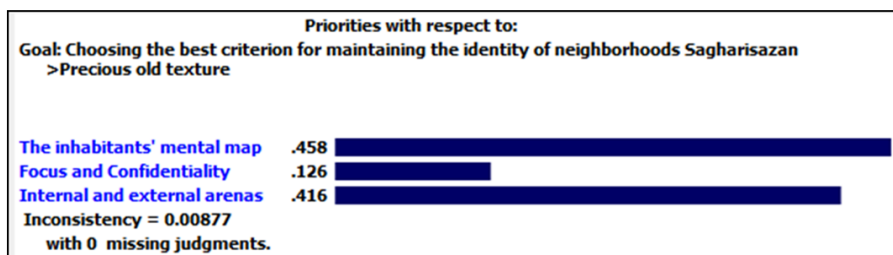


نمودار ۶- نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی ضرایب زیر معیارهای حس تعلق به مکان سکونت

جدول زیر نشان دهنده اهمیت نسبی معیارهای بافت قدیمی با ارزش از نتایج تحلیلی در نرم افزار SPSS می باشد. نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی معیارهای بافت قدیمی با ارزش ۰/۰۰۸۷۷ است که نشان دهنده دقت بسیار بالای این مقایسه زوجی است.

جدول ۷- ماتریس ارجحیت نسبی زیر معیارهای بافت قدیمی با ارزش

معیارهای بافت قدیمی با ارزش	عرصه های درونی و بیرونی	تمرکز و محصوریت	نقشه ذهنی ساکنین خانه های گزینش شده نسبت به مرز و قلمرو محله
عرصه های درونی و بیرونی	۱	۲	۷
تمرکز و محصوریت	-	۱	۱
نقشه ذهنی ساکنین خانه های گزینش شده نسبت به مرز و قلمرو محله	-	-	۱



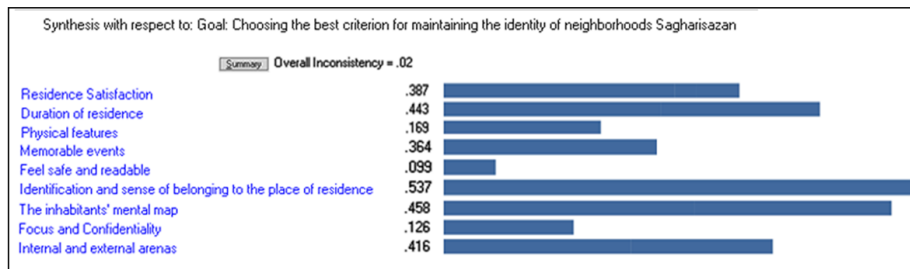
نمودار ۷- نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی ضرایب زیر معیارهای بافت قدیمی با ارزش

نتیجه‌گیری

باتوجه به تحلیل‌های نظری و میدانی صورت گرفته می‌توان گفت تعاریف حس تعلق به مکان، تصورات درون ذهنی انسان را درارتباط با محیط انسان ساخت نشان می‌دهد و این مفهوم از یک جنبه ریشه در ساختار پدیدارشناسی و تجربه‌های ذهنی همچون خاطره، فرهنگ، تاریخ، سنت، اجتماع و غیره دارد و از جنبه دیگر متأثر از رویکردهای عینی و بیرونی در محیط مانند علوم تجربی و طرح و... است و این خود نشان‌دهنده این مطلب است که حس تعلق به مکان و خاطره جمعی مفهوم پیچیده از احساسات و دل‌بستگی انسان نسبت به محیط ساخته شده است که در اثر تعاملات اجتماعی و رفتاری و استفاده انسان از مکان به وجود می‌آید؛ از این‌رو، عامل بسیار مهمی که در ارتقای حس تعلق به مکان محله قدیمی در بعضی افراد وجود دارد، وجود ارتباطات غنی و قوی انسانی موجود در ارتباط برقرار کردن با عناصر هویت بخش تزئینی و قدیمی در خانه‌ها و حتی سیمای و منظر سنتی محله است، که باعث می‌شود باوجود مشکلات بسیاری که این مکان‌های سکونتی دارد، تعدادی از افراد و خانوارهایی که زمان زیادی را در این محله سپری کردند، حس تعلق داشته باشند. باتوجه به واقعیت‌های مذکور و خلاء بسیار بزرگی که در این زمینه وجود دارد، در این مقاله کوشش گردید تا با بهره‌گیری از ادبیات موجود در زمینه احراز هویت مسکن قدیمی باارزش به سوال اصلی طرح که عبارت است از اینکه: باتوجه به شاخص‌های هویت معماری مسکن قدیمی باارزش ساغریسازان اولویت‌بندی آن‌ها چگونه است؟ پاسخ داده شود و مبنایی مستدل و متقن برای ارزیابی هویت معماری و تصمیم‌سازی در مورد توسعه یا عدم توسعه آن‌ها ارائه گردد.

برای دستیابی به این مهم ابتدا با استفاده از شاخص‌های مطالعاتی جامع که اساس آن را در دیدگاه‌های کریستین نوربرگ شولتس که به نوبه خود از آرای مارتین هایدگر متأثر بوده، شکل گرفته است. امتیازدهی و سطح بندی حس تعلق به مکان سکونتی در محله ساغریسازان با استفاده از جدول جنیفر کراس به‌عنوان مکمل نظریات شولتس انتخاب شد. درضمن، برحسب نظریات و جدول مراتب هفتگانه که ادوارد رلف در زمینه سلسله مراتب دیالکتیک عرصه درونی - عرصه بیرونی ارائه نموده، نتایج مصاحبه‌ها درخصوص سلسله مراتب عرصه درونی و بیرونی خانه‌های قدیمی باارزش در محله ساغریسازان مورد تحلیل قرار گرفت. از این‌رو، نتایج نرخ ناسازگاری کل ساختار سلسله مراتبی و اولویت‌بندی معیارها در حفظ هویت مسکن محله ساغریسازان به شرح زیر می‌باشد:

در صورتیکه نرخ سازگاری ۰/۱ یا کمتر باشد، بیانگر سازگاری در مقایسات است و اعتبار پاسخ‌دهنده‌ها تایید میگردد. در تحقیق حاضر نرخ ناسازگاری معیارها و زیرمعیارها با استفاده از نرم افزار Expert Choice محاسبه شد؛ این ضریب‌ها همانطور که در قسمت مقایسه‌های زوجی بیان شده است همگی کمتر از ۰/۱ هستند. نرخ ناسازگاری کل ساختار سلسله مراتبی نیز با استفاده از همین نرم افزار محاسبه گردیده و برابر با ۰/۰۲ است که از ۰/۱ کمتر می‌باشد.



نمودار ۸- نتایج نرخ ناسازگاری کل ساختار سلسله مراتبی و اولویتبندی معیارها در حفظ هویت مسکن محله ساغریسازان

از این رو اولویت‌بندی حفظ هویت در معیارهای اصلی به ترتیب شامل موارد زیر است:

- ۱- حس تعلق به مکان سکونت ۰/۳۶۲؛ ۲- الگوهای معماری قدیمی مسکن ۰/۳۵۲؛ ۳- بافت قدیمی باارزش ۰/۲۸۶ و اولویت‌بندی حفظ هویت در زیرمعیارهای به ترتیب شامل موارد زیر است:
 - ۱- شناسایی مکان و حس تعلق به مکان سکونت ۰/۵۳۷؛ ۲- نقشه ذهنی ساکنین ۰/۴۵۸؛ ۳- مدت زمان سکونت ۰/۴۴۳؛ ۴- عرصه‌های درونی و بیرونی ۰/۴۱۶؛ ۵- رضایت مندی از سکونت ۰/۳۸۷؛ ۶- خاطره انگیزی رویدادها ۰/۳۶۴؛ ۷- ویژگی‌های کالبدی ۰/۱۶۹؛ ۸- تمرکز و محصوریت ۰/۱۲۶؛ ۹- احساس امنیت و خوانایی ۰/۰۹۹

نتایج حاکی از آن است که از بین ۹ زیر معیار شاخص هویت در محله مورد مطالعه، معیار شناسایی مکان و حس تعلق به مکان سکونت، دارای سطح اولویت ۰/۵۳۷ می باشد که بیشترین ضریب معیار نسبت به دیگر معیارها را به خود اختصاص داده است. در خاتمه می‌توان استفاده از سایر تکنیک‌ها نظیر برنامه‌ریزی خطی و منطق فازی را به عنوان روش‌هایی جایگزین برای اولویت‌بندی شاخص‌های ارزیابی معیارهای حفظ هویت مسکن قدیمی باارزش به محققانی که به موضوع حاضر علاقمند هستند پیشنهاد نمود.

منابع

- آزاد، زهرا؛ پرتوی، پروین (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی جایگاه میادین تهران در حفظ و ارتقای خاطره جمعی شهروندان (نمونه موردی: میدان تجریش و میدان بهارستان)، *فصلنامه مطالعات شهری*، ۱(۴): ص ۱۲-۲.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۰). *معماری و راز جاودانگی (راه بی‌زمان ساختن)*، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- برایان، لاسون (۱۳۹۱). *زیان فضا*، ترجمه علیرضا عینی‌فر و فواد کریمیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بمانیان، محمدرضا؛ غلامی رستم، نسیم و رحمت‌پناه، جنت (۱۳۸۹). عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی؛ نمونه موردی خانه رسولیان یزد، *مطالعات هنر/اسلامی*، ۳(۳): ص ۹۹-۱۸.

- پرتوی، پروین (۱۳۹۲). *پدیدارشناسی مکان، تهران: انتشارات شادرنگ.*
- چپمن، دیوید (۱۳۸۴). *آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت، ترجمه شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.*
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۸). *فضای شهری، حیات واقعه‌ای و خاطرات جمعی، مجله صفا، بهار و تابستان، ۲۸(۹): ص ۲۱-۱۶.*
- خمامی زاده، جعفر (۱۳۹۰). *ساغریسازان یکی از قدیم‌ترین محله‌های رشت- براساس خاطراتی فزون برهفتاد سال از دیده‌ها و شنیده‌ها و خواننده‌ها، مجموعه مقالات گیلان شناسی به کوشش م.پ. جکتاجی، رشت: انتشارات گیلکان.*
- رضازاده، راضیه (۱۳۸۰). *بحران ادراکی- رفتاری در فضای شهری، مجله شهرداری‌ها، ویژه نامه شماره ۵: ص ۱۶-۴.*
- سیاوش پور، بهرام؛ آبرون، علی اصغر و اسعدی جعفرآباد، سارا (۱۳۹۸). *شناسایی مؤلفه‌های هویت‌ساز بومی بافتهای تاریخی فرسوده شهری، نشریه اختصاصی معماری و شهرسازی ایران معماری‌شناسی، ۱۲(۲): ص ۱۲-۶.*
- شرکت مهندسی طرح و کاوش (۱۳۸۶). *طرح جامع شهرستان رشت، با همکاری مهندسی مشاور شهرسازی، تهران: معماری و گردشگری پارسوماش.*
- عزیزی، محمد مهدی و ارباب، پارسا (۱۳۸۹). *شناسایی و ارزیابی فرآیند شکل‌گیری هویت در شهرهای جدید؛ مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد، هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، ۵۱(۱): ص ۹۸-۵۳.*
- عنان‌نهاد، محمود؛ غلامعلی‌زاده، حمزه و اسدی ملک‌جهان، فرزانه (۱۳۹۸). *سنجش حس تعلق به مکان و حفظ هویت واحدهای مسکونی در محله شهری، مطالعه موردی: محله قدیمی ساغریسازان رشت، فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، دانشگاه پیام نور، ۱۰(۱): ص ۸۸-۷۳.*
- عنان‌نهاد، محمود؛ غلامعلی‌زاده، حمزه و اسدی ملک‌جهان، فرزانه (۱۳۹۸). *سنجش نقش خاطره جمعی در فرآیند احیای خانه‌ها و بافت قدیمی ساغریسازان رشت، فصلنامه معماری و شهرسازی آرمانشهر، تهران: ۲۷(۱۲): ص ۱۴۴-۱۳۱.*
- فنی، زهره؛ بیرانوندزاده، مریم؛ سبحانی، نوبخت و سلطان‌زاده، اکبر (۱۳۹۶). *تحلیل جایگاه تعاونی‌های مسکن در نظام برنامه‌ریزی مسکن در ایران، فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، دانشگاه پیام نور، ۸(۱): ص ۹۴-۷۷.*
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.*
- لینچ، کوین (۱۳۸۷). *سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، چاپ هشتم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.*
- لینچ، کوین (۱۳۹۳). *تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.*
- ممتاز، فریده (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی شهر، تهران: شرکت سهامی انتشار.*
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۴). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران- گیلان.*
- نوربرگ- شولتس، کریستیان (۱۳۹۳). *روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری، ترجمه محمدرضا شیرازی، تهران: رخداد نو.*

- Altman, Irwin., Low, Setha M. (1992). *Place attachment*. (3th Ed.). New York: Plenum Press.
- Atalan, Özlem (2016). *Continuity of regional identity: A case study of facade elements in traditional Çeşme houses*. AIZ ITU Journal of the Faculty of Architecture, 13(2),pp: 121 - 131.
- Bertolini, Massimo., Braglia, Marcello. (2006). *Application of the AHP methodology in making a proposal for a public work contract*, International Journal of Project Management. 24 (2): 422-430.
- Brown, Barbara., Werner, Carol. (1985). *Social Cohesiveness, Territoriality and Holiday Decoration*, Journal of Environment and Behavior.17 (5): 539–565.
- Canter, David. (1977). *The Psychology of place*. London: The Architectural Press Ltd.
- Chang, Kuei-Feng., Chiang, Che-Ming. Chou, Po-Cheng. (2007). *Adapting aspects of GBTool 2005—searching for suitability in Taiwan*, Building and Environment. 42: 310–316.
- Çimren, Emrah., Çatay, Bülent., Budak, Erhan. (2007). *Development of a machine tool selection system using AHP*, International Journal of Advanced Manufacturing Technology. 35: 363–376.
- Dey, Prasanta Kumar., Ramcharan, Eugene. (2000). *Analytic hierarchy process helps select site for limestone quarry expansion in Barbados*, Journal of Environmental Management. 88(4): 1384-1395.
- Google, Map. (2019). Iran-Rasht. from <https://www.google.com/maps/place/Rasht>.
- Proshansky, Harold M. (1983). *The City and Self-Identity*, *Environment and Behavior*. 10 (2): 147-169.
- Relph, Edward. (1976). *Place and Placelessness*. London: pionnt.
- Riley, Robert. (1992). *Attachment to the Ordinary Landscape*, *Place Attachment*. 12: 13-35.
- Stedman, Richard C. (2003). *Is it really just a social construction? The construction of the physical environment to sense of place*, *Society & Natural Resources*, 16(8): 671-685.
- Smith, Andrew. (2016). *Events in the City; Using Public Spaces as Event Venues*. London & New York: Routledge.
- Sun-Young, Rieh. (2003). *Boundary and Sense of Place in Traditional Korean Dwelling*, *Sungkyun Journal of East Asian studies*, 2(3): 22-36.
- Tolle, Alexander (2010). *Urban identity policies in Berlin: From critical reconstruction to reconstructing the Wall*. *Cities*, Vol 27, No 5,pp: 348-357.
- Willams, Daniel R., Vaske, Jerry J. (2003). *The measurement of place Attachment: validity and generalizability of a psycholometric approach*, *Forest Science*, 49 (6): 830-840.